

۱ «تدبیر، بسیاری، هم عقیده، اسب زردرنگ» به ترتیب، معانی کدام واژه‌ها است؟

- ۱ مصلحت‌اندیشی، افراط ، مقرون، کمیت  
 ۲ صواب، تفریط ، مقرون، کردند  
 ۳ چاره‌گری، اغراق، ملازم، کهر  
 ۴ چاره‌گری، فرط ، متفق، سمند

۲ کتاب «هم‌صدا با حلق اسماعیل» از کیست؟

- ۱ قیصر امین‌پور  
 ۲ مصطفی علی‌پور  
 ۳ سید حسن حسینی  
 ۴ سلمان هراتی

۳ کدام گزینه با بیت «مگر سوخت جان من از فرط عشق/ خاموشی است هان، اولین شرط عشق» تناسب معنایی دارد؟

- ۱ برنیاید مهر خاموشی به حفظ راز عشق/ سدّ مومین نیست مانع آتش سیّاله را  
 ۲ صائب ز گفت‌وگوی تو گرم است بزم عشق/ خاموشی تو تخته‌ی دگان آتش است  
 ۳ بعد از این باید سراغ من ز خاموشی گرفت/ داشت‌م نامی در این یاران فراموشی گرفت  
 ۴ جز خاموشی برنتابد، محفل تسلیم عشق/ از چراغ کشته این جا می‌کند آداب گل

۴ مفهوم کلی بیت «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خاموشی است هان اولین شرط عشق» در کدام گزینه وجود دارد؟

- ۱ از حلقه‌ی بندگیت بیرون نرود / تا نقش حیات در نگین دل ماست  
 ۲ عاشقی را که غم دوست به از جان نبود / عاشق جان بود او، عاشق جانان نبود  
 ۳ ای عاشق جفا زده فریاد شرط نیست / گر دوست غایب است غم دوست حاضر است  
 ۴ بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است

۵ در قافیه‌ی کدام بیت، صفت فاعلی به کار رفته است؟

- ۱ وین را اثر آن است که بر لشکر غزنین / گشتند مظفر سپه شاه جهاندار  
 ۲ یک جوق شده کشته و یک خیل گریزان / یک فوج شده غرقه و یک قوم گرفتار  
 ۳ تو شاه ملوک و ملک شاه نشانی / وین است همه ساله تو را سیرت و کردار  
 ۴ هرچند که گفتار ز کردار فزون است / کردار تو در ملک فزون است ز گفتار

۶ سروده‌ی زیر فاقد کدام نوع صفت بیانی است؟

«نه که هر سطرش طومار قصه‌های پریشانی است - ای چشم خسته دوخته بر دیوار - برخیز و بر جمال طبیعت - چشمی میان پنجره واکن - هم‌چون کبوتر سبکبال - خود را به هر کرانه رها کن.»

- ۱ نسبی  
 ۲ مفعولی  
 ۳ مطلق  
 ۴ فاعلی

با توجه به عبارات زیر، در کدام گزینه به ترتیب صفات «فاعلی - نسبی - مطلق - مفعولی» دیده می‌شود؟  
 الف) زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار  
 ب) که ای بلندنظر شاهباز سدره‌نشین  
 ج) گو خون جگر ریز که معذور نمانده‌ست  
 د) زبان ناطقه در وصف شوق نالان است.  
 هـ) گر من آلوده‌دامنم چه عجب

- ۱ الف - ب - د - هـ      ۲ الف - د - ب - ج      ۳ ب - د - الف - ج      ۴ ب - الف - ج - هـ

مفهوم کدام گزینه، با بیت زیر قرابت بیش‌تری دارد؟  
 «ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید / آن‌که در دستش کلید شهر پر آینه دارد»

- ۱ دور فلکی یکسره بر منہج (روش) عدل است / خوش باش که ظالم نبرد بار به منزل  
 ۲ چون تیغ به دست آری مردم نتوان کشت / نزدیک خداوند بدی نیست فرامشت  
 ۳ ظلم از هر که هست نیک به دست / وان‌که او ظالم است نیک به دست  
 ۴ وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است

مفهوم «حفظ شکوه و عظمت دیرین - فراموش‌ناپذیری عشق - صبر عاشق - تسلیم محض» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

الف) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست  
 ب) هلا منکر جان و جانان ما / بزنی زخم انکار بر جان ما  
 ج) زان سینه چه راحت که ره زخم به در نیست / بادی نخورد بر دل اگر خانه دو در نیست  
 د) ای داور زمانه، ملوک زمانه را / جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست  
 هـ) فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرد / تخت و نگین از دست اهریمن بگیرد

- ۱ هـ - ج - ب - د      ۲ د - الف - ب - هـ      ۳ هـ - الف - د - ج      ۴ د - ج - هـ - ب

در کدام بیت «وابسته‌ی وابسته» صفت مفعولی است و نقش تبعی در آن بیت یافت می‌شود؟

- ۱ رسم عشاق جگرخسته نیاز است نیاز / خوی خوبان ستم‌پیشه عتاب است عتاب  
 ۲ شاکرم شاکر اگر زهر پیایی بخشد / خوشدلم خوشدل اگر نیش دمامد دارد  
 ۳ چشم من دلسوخته سرچشمه‌ی خون شد / کاش آن رخ رخشنده نه می‌دید و نه می‌خواست  
 ۴ اهل نظر ز عارض و زلف تو کرده‌اند / تفسیر صبح روشن و شام سیاه را

مفهوم کدام بیت تداعی‌کننده بیت زیر است؟

«چه جانانه چرخ جنون می‌زنند / دف عشق با دست خون می‌زنند»

- ۱ به نور عشق مگر چشم دل گشاده شود / وگرنه دیده ظاهر حجاب بینایی است  
 ۲ نظر به شاخ بلند است مرغ وحشی را / تلاش دار کند هر سری که سودایی است  
 ۳ خویش را کردم تهی از غیر دوست / تا وجودم پُر شد از غوغای عشق  
 ۴ گو سیل فنا گردد برآرد ز دو عالم / کافی است سیه‌خانه سودای تو ما را

صفات‌های «فاعلی، شمارشی، مفعولی و مطلق» به‌ترتیب، در کدام عبارات آمده است؟  
 الف- تزار بارها باند گرم و آغشته به خون را از روی زخم باز کرد.  
 ب- اگر من زنده ماندم و تو مایل بودی، غلامت خواهم شد.  
 ج- پس، تزار جامه‌ای ژنده پوشید و تنها به راه افتاد.  
 د- برخی به نخستین پرسش تزار پاسخ مناسب دادند.

- ۱ الف - ب - د - ج      ۲ ب - ج - الف - د      ۳ ب - د - الف - ج      ۴ ج - د - ب - الف

«ان» در کدام واژه‌ها به‌ترتیب نشانه «صفت فاعلی، صفت نسبی، زمان و مکان» است؟

- ۱ خاوران، پاییزان، بابکان، تابان      ۲ رویان، ترکان، ناگهان، توران  
 ۳ خندان، هرمزان، یخبندان، دیلمان      ۴ هراسان، راه‌بندان، سیاووشان، چناران

در کدام بیت «دو ترکیب اضافی، صفت لیاقت، صفت مفعولی و بدل» یافت می‌شود؟

- ۱ من خود از عشق لبت فهم سخن می‌کنم / هرچ از آن تلخ‌ترم گر تو بگویی شکر است  
 ۲ ما خود نمی‌رویم دوان از قفای کس / آن می‌برد که ما به کمند وی اندریم  
 ۳ حریف مجلس ما خود همیشه دل می‌برد / علی‌الخصوص که پیرایه‌ام بر او بستند  
 ۴ خود کشته ابروی توام من به حقیقت / گر کشتنی‌ام باز بفرمای به ابروی

در عبارت زیر، به‌ترتیب چند صفت پیشین و چند صفت پسین وجود دارد؟  
 «وه که چه پاییز دلنوازی است. این برگ خشک که بر زمین سرد و بی‌روحش می‌بینی نوای کدام نی روح‌بخش را می‌نوازد؟ مثل این است که پاییز همه‌ی نوا و نغمه‌اش را در جان زمین جاری می‌کند.»

- ۱ پنج، شش      ۲ پنج، پنج      ۳ شش، هفت      ۴ چهار، پنج

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معنی درست واژه‌ها:

چاره‌گری: تدبیر، مصلحت‌اندیشی؛ فرط: بسیاری (افراط: از حد گذشتن، زیاده‌روی؛ تفریط: کوتاهی کردن در کاری) متفق: همسو، هم‌عقیده، موافق؛ سمنند: اسب، اسب زردرنگ

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. کتاب «هم‌صدا با حلق اسماعیل» اثر سیّد حسن حسینی است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۴): توصیه به خاموشی در عشق مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) پنهان‌ناپذیری راز عشق
- ۲) شورانگیزی سخن عاشقانه / بالیدن شاعر به شعر خود
- ۳) از یاد رفتن شاعر

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک صورت سؤال و گزینه‌ی درست: عاشق از رنج عشق شکایت نمی‌کند (سکوت عاشق در برابر سختی عشق).

- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۱) عشق مایه‌ی حیات است.
  - ۲) سرسپردگی لازمه‌ی عشق است.
  - ۴) غم عشق شیرین است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گاهی در پایان صفت فاعلی «نده» حذف می‌شود:

جهاندار: جهاندارنده (دارنده‌ی جهان) ← اسم / صفت + بن مضارع  
دلیل نفی گزینه‌های دیگر:

- ۲) «گرفتار» صفت مفعولی است.
  - ۳ و ۴) «کردار» و «گفتار» اسم هستند.
- نکته: با فرمول «بن ماضی + ار» سه نوع کلمه ساخته می‌شود.

- ۱) صفت فاعلی مثل خریدار: معادل ← خریدکننده
- ۲) صفت مفعولی مثل گرفتار: معادل ← گرفتارنده
- ۳) اسم مصدر مثل گفتار: معادل ← گفتن

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. صفات بیانی و نوع آن‌ها:

خسته، دوخته: مفعولی / سبکبال: مطلق / رها: فاعلی  
توجه: «پریشانی» اسم است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صفات و نوع آن‌ها:

مشکین: نسبی / بلندنظر - معذور - ناطقه: مطلق / سدره‌نشین (که در اصل «سدره‌نشیننده» است) - نالان - نمانده (افعال ناگذرا با ساختمان صفت مفعولی، صفت فاعلی محسوب می‌شوند): فاعلی / آلوده: مفعولی

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم بیت سؤال و گزینه‌ی پاسخ: برای نابودی ظلم، نیاز به رهبری واحد و عادل است. مفهوم گزینه‌های دیگر، ظلم‌ستیزی، مذمت ظلم به دیگران و تذکر عاقبت نافرجام و نتیجه ظلم به مردم است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مورد «الف» با مفهوم «تأکید بر رازداری» اضافه درنظر گرفته شده است.

۱۰

- گزینه ۱ پاسخ صحیح است.  
 (۲) فاقد وابسته وابسته است.  
 (۳) فاقد نقش تبعی است  
 (۴) نقش تبعی معطوف (عارض و زلف)؛ وابسته وابسته از نوع صفت بیانی مطلق دارد (تفسیر صبح روشن)  
 (۱) نقش تبعی تکرار دارد (نیاز است نیاز) وابسته وابسته از نوع صفت مفهومی دارد (رسم عشاق جگرخسته؛ خوی خوبان  
ستم‌پیشه)

۱۱

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم کسی که مناعت طبع دارد از مرگ نمی‌هراسد.

۱۲

- گزینه ۳ پاسخ صحیح است.  
 بیت ب: «زنده» صفت فاعلی: «بن مضارع + نده»  
 بیت د: «نخستین» صفت شمارشی ترتیبی  
 بیت الف: آغشته: صفت مفعولی از مصدر آغشتن  
 بیت ج: «زنده» صفت مطلق

۱۳

- گزینه ۳ پاسخ صحیح است.  
 خندان: بن مضارع + ان (پسوند صفت فاعلی) / هرمرزان: منسوب به هرمرز (پسوند صفت نسبی)  
 یخ‌بندان: موقع یخ‌بستن (پسوند زمان) / دیلمان: محل استقرار قوم دیلم (پسوند مکان)

۱۴

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صفت لیاقت = کشتنی (اگر من کشتنی هستم، لیاقتش را دارم)

۱۵

- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. صفت‌های پیشین: چه، این، کدام، همه، همه  
 صفت‌های پسین: دلنواز، خشک، سرد، بی‌روح، روح‌بخش

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴